






تینگی و گاوها



-  Ingrid Schechter
-  Ingrid Schechter
-  Marzieh Mohammadian Haghighi
-  Persian
-  Level 2



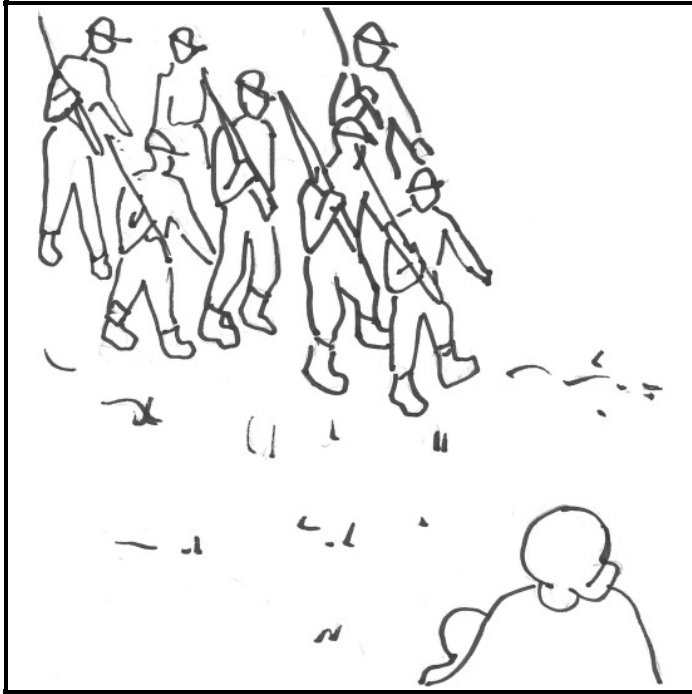
تینگى با مادر بزرگش زندگى مى کرد.



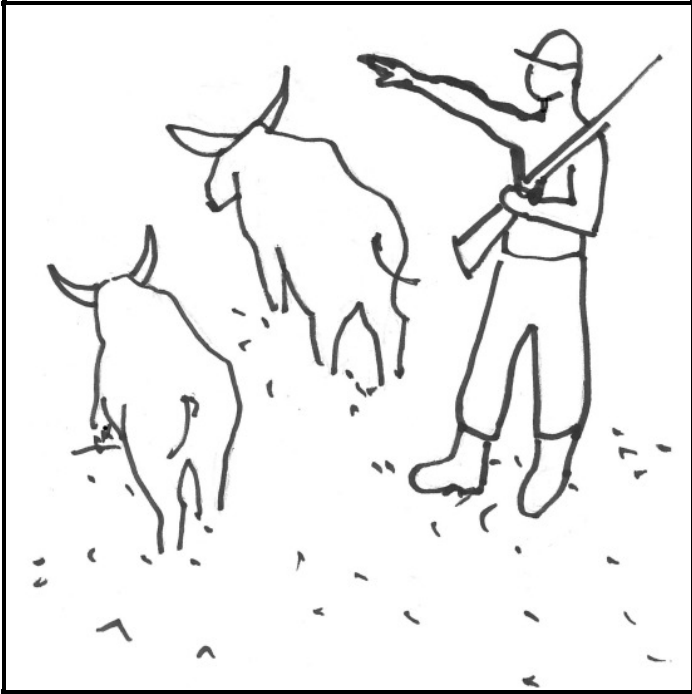
او عادت داشت که با مادر بزرگ از گاوها مراقبت کند.



پک روز سربازها آمدند.



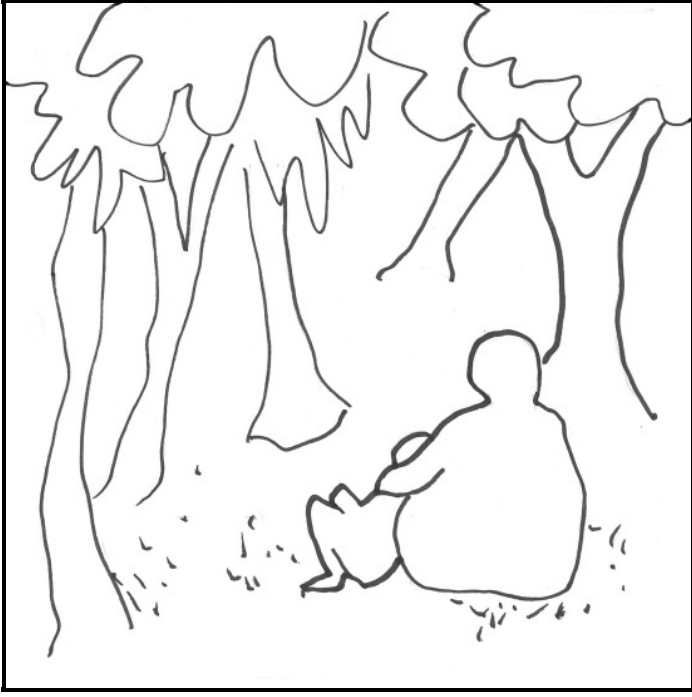
آنها گاوها را با خودشان بُردند.



تینگی و مادر بزرگش فرار کردند و پنهان شدند.



آنها دريك بوته تا شب مخفي شدند.



سربازها دوباره برگشتند.



مادر بزرگ تینگی را زیر برگ ها قایم کرد.



یکی از سربازها پایش را دُرست روی تینگی گذاشت ولی او ساکت ماند.



وَقْتِي كِه هَمّه چيز آرام شُد، تينگی و مادر بزرگش بيرون آمدند.



آنها خیلی آرام به خانه رفتند.





Storybooks Outline

global-asp.github.io/storybooks-outline

تینگى وَ گاوها

Written by: Ingrid Schechter

Illustrated by: Ingrid Schechter

Translated by: Marzieh Mohammadian Haghighi

This story originates from the African Storybook (africanstorybook.org) and is brought to you by [Storybooks Outline](#) in an effort to provide children's stories in the world's many languages.



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 3.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0/).